

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: گرگ شاپک  
برگردان آزاد از: هوشنگ نوری  
۱۲ جنوری ۲۰۲۰



گرگ شاپک

## نگذاریم جنگ شود. جلو امپراتوری امریکا را بگیریم.



### مقدمه مترجم:

چند روز از ترور قاسم سلیمانی می‌گذرد. غالب سایت‌ها و گروه‌های چپ ایرانی یا از ترور ابراز شادمانی می‌کنند یا (مانند مورد سوریه) موضع نه این نه آن گرفته‌اند، اما از ضربه‌ای که امریکا به جمهوری اسلامی زده است در پوست خود نمی‌کنند.

اما به سایت‌های همیشگی چپ‌های غیر ایرانی که سر بزنی با موج محکومیت امریکا مواجه می‌شوید. هیچ یک از این ترور شادمان نیست؛ مثلاً، یکی از سایت‌ها همین ژاکوبین‌مگ است، که در این چندروزه تا جایی که من دیده‌ام یادداشت‌ها همه در محکومیت این ترور بوده یا چپ‌های ضد جنگی مانند لیندزی جرمن، که در تجمعات ضد جنگ

حضور فعال دارد، یا بیانیه‌های جبهه خلق فلسطین و احزاب چپ لبنان و غیره. نمونه جالب‌تر هم نوشته لیلیا خالد است. همان چپ‌هایی که عکس لیلیا خالد را بر در و دیوار خانه یا حساب‌های مجازی‌شان می‌زنند و از او تعریف می‌کنند گویا لال شده‌اند. یا سایت‌های نقد، نقد اقتصاد سیاسی و پروبلماتیکا که همیشه در این مواقع مقاله‌ای از ژاکوبین مگ ترجمه می‌کنند گویا نظرات رفقای خارجی‌شان به مذاقتان خوش نیامده است. شاید هم منتظر اند ژیلبر آشکار امپریالیست مقاله‌ای بنویسد تا دستشان به ترجمه برود.

چپ ایران مسرور است از ترور سلیمانی. این هنجارمندسازی حملات آمریکا اصلاً چیز تازه‌ای نیست اما در مورد سلیمانی به آستانه‌های منطقی خود رسیده است. مسأله حمله آمریکا به مقامات حکومتی کشورهای دیگر است. تصویری که رسانه‌های جریان اصلی درست کرده‌اند و همه با توجه به این تصویر سخن می‌گویند مخدوش است. مبتنی بر این تصویر، عده‌ای می‌گویند قاسم سلیمانی جنایت‌کار بوده و دم آمریکا گرم که او را زده. دسته دوم می‌گویند قاسم سلیمانی جنایت‌کار بوده و از ترورش خوشحالیم ولی آمریکا هم جنایت‌کار است. دسته سوم می‌گویند سلیمانی فرمانده مقاومت بوده و از نیروهای ضدامپریالیستی بوده و این جنایت است. اما حقیقت این است که حتی اگر منفورترین و جنایت‌کارترین مقامات جمهوری اسلامی این بلا سرشان بیاید فرقی نمی‌کند، زیرا مسأله اصلاً اخلاقی نیست. خلاف تصور چپ‌های محور مقاومتی، حتی اگر جای قاسم سلیمانی جنتی یا روحانی یا هر مقام رسمی دیگری ترور می‌شد فرقی در اصل قضیه نداشت؛ یعنی، اگر جای «فرماندهان مقاومت» کواکبیان بی‌خاصیت را هم ترور می‌کردند فرقی نمی‌کرد: مسأله دست‌درازی آمریکا و بی‌پروائی او در ترور مقامات کشورهای دیگر و نیز کشاندن خاورمیانه به سمت جنگ است. چپ محور مقاومتی فقط به محور مقاومت و فرماندهانش برایش مهم است نه لزوماً اعمال امپریالیستی آمریکا. از سوی دیگر، چپ‌هایی که از حمله آمریکا به مقامات حکومتی یک کشور دفاع می‌کنند یعنی از حمله نظامی آمریکا به ایران هم دفاع می‌کنند و باید احساس شادمانی کنند. وقتی ترور و کشتن فرمانده جمهوری اسلامی به دست امپریالیسم آمریکا برایشان این‌قدر شیرین است حتماً حمله نظامی به ایران و کشتن کل مقامات جمهوری اسلامی به دست امپریالیسم آمریکا برایشان شیرین‌تر است. همان‌طور که آمریکا حمله هوایی می‌کند و بلافاصله پس از آن داعش به مواضع دولت عراق و سوریه حمله می‌کند، اینها هم پس از هر حمله آمریکا راه را هموار می‌بینند که به جمهوری اسلامی بتازند؛ یعنی، زیست اینها و جنس تاختن اینها پیوند ناگسستنی‌ای با حملات (نظامی، سیاسی، اقتصادی و غیره) آمریکا دارد. آیا آنها به این فکر کرده‌اند که پس از سرنگونی مد نظرشان و برپائی شوراهای کذائی‌شان و تشکیل دولتشان، امپریالیسم آمریکا چه برخوردی با مقامات دولتشان خواهد کرد؟ مطمئناً اینها چیزی نیست که ذهن این چپ‌ها را مشغول کند، زیرا آمریکا با مقامات دولتی آنها (اگر خیالشان واقعیت یابد) کاری نخواهد داشت. آنها تا مغز استخوان امریکائی‌اند.

چپ‌های کشورهای امپریالیستی در برابر سفارت آمریکا در کشورشان و چپ‌های آمریکا در برابر نهادهای دولتی تجمع ضد جنگ کرده‌اند. چپ‌های خارج‌نشین ایرانی چه کرده‌اند؟ آیا حاضرند در این تجمع‌ها شرکت کنند؟ معلوم است که نه. آنها شادمان‌اند. اگر اندکی تردید وجود داشت ماجرای ترور سلیمانی آن را برطرف کرد: چپ‌های پروغرب ایران رسماً داعشی‌های چپ‌نمایند.

ترجمه این مقاله بیشتر از آن جهت برایم مهم بود که تفاوت چپ‌های اروپائی با داعشی‌های چپ‌نمای ایرانی را مشخص می‌کند. معتقدم که میان این دو پیوند عمیقی وجود دارد، اما این تفاوت برایم حائز اهمیت بود. امیدوارم هر مقاله این‌چنینی خاری باشد در چشم داعشی‌های چپ‌نما، که حسابمان را در عرصه مبارزه طبقاتی صاف خواهیم کرد.



### برای جلوگیری از جنگ، ضروری است که درباره علل جنگ توضیح داده شود.

امریکا در اقدامی جنایتکارانه قاسم سلیمانی، مهم‌ترین مقام رسمی نظامی ایران و یکی از قدرتمندترین افراد آن کشور، همچنین ابومهدی مهندس، جانشین فرمانده حشد الشعبی عراق، را، که نیروی متحد ایران است، به همراه هشت نفر دیگر ترور کرد.

پس از آن، در پی حمله هوایی امریکا، ظاهراً به قصد یکی از فرماندهان حشد الشعبی، شش نفر کشته شدند، که برخی از آنها پزشک بودند، و سه نفر دیگر زخمی شدند.

اینها همه کمتر از یک هفته پس از این است که امریکا بخش‌هایی از عراق و سوریه را بمباران کرد. بنا بر گزارش‌ها، بیست‌وپنج نفر کشته و پنجاه‌وپنج نفر زخمی شدند، که چهار نفر از آنها از فرماندهان کتائب حزب‌الله، از اعضای مهم حشد الشعبی، بودند. توجیه امریکائی‌ها این بود که یک پیمانکار امریکائی و چند عضو ارتش امریکا در حمله راکتی که امریکا کتائب حزب‌الله را مقصر آن دانست، کشته شدند.

عراقی‌ها با حمله به سفارت امریکا در بغداد به این بمباران‌ها پاسخ دادند و خواستار این شدند که مقامات امریکائی کشورشان را ترک کنند. امریکا با این ادعا که حشد الشعبی و سلیمانی طراح اصلی اعتراضات بوده‌اند تلاش کرد قانون شکنی جنایت‌بار در جریانش را توجیه کند - گویی که پس از سی سال وحشت و دردسرافزینی امریکا، عراقی‌ها به توطئه خارجی نیاز داشتند تا تحریکشان کند از امریکا این‌قدر عصبانی باشند. این که امریکا فقط تا روز دوم سال ۲۰۲۰ صبر کرد (یعنی از بعد از روز اول حمله کرد) تا چهارمین دهه پیاپی بمباران عراق را ادامه دهد افشاگر بریریت ناب امپریالیسم امریکاست.

در این مدت، طبقه حاکم امریکا از زمان کودتا علیه محمد مصدق در سال ۱۳۳۲ عملاً علیه مردم ایران جنگیده است. امریکا از دیکتاتوری بی‌رحمانه شاه، متحد مهمش در جنگ سرد، از سال ۱۳۳۲ تا سرنگونی آن در انقلاب ۱۳۵۷ حمایت کرد. ایران خود را از چنگال مرگ‌آور امریکا رها کرد و استقلال یافت و امریکا با سرمایه‌گذاری روی ایرانیان در تبعید و کمک به صدام حسین در تجاوز به ایران با استفاده از گاز سارین و خردل در پی بازگرداندن حکومتی دست‌نشانده در ایران بود.

امریکا سال‌ها مانع توسعه اقتصاد ایران شده است، از جمله دوره‌ای که توافق هسته‌ای دولت اوباما با ایران در حال اجراء بود. گرچه ایران به توافق وفادار بود، ترمپ آن را پاره کرد و بر شدت تحریم‌ها افزود و اقتصاد ایران را تضعیف کرد، از کمک به سیل‌زدگان جلوگیری کرد و ایرانیان را از مواد غذایی و دارو تا سرحد مرگ بیماران

سرطانی محروم کرد. سال‌هاست که امریکا تلاش کرده است تا ائتلاف متخاصم ضد ایرانی بسازد که شامل اسرائیل - که سابقه کشتن دانشمندان ایرانی را دارد - و پادشاهی‌های مرتجع عرب، که عربستان سعودی سردسته‌شان است، می‌شود.

هیچ تردیدی نیست که اگر خصومت میان ایران و امریکا به حد انفجار برسد، دلیلش سابقه طولانی تجاوزات امریکا خواهد بود. ایران آنچه را دموکراسی امریکائی نامیده می‌شود سرنگون نکرده است، دیکتاتوری را به آن کشور تحمیل نکرده است، در تجاوز به این کشور کمک نکرده است، در جنگ کیمیائی علیه امریکا شرکت نکرده است یا اقتصاد امریکا را ویران نکرده است. ارتش امریکا پنجاه‌وسه پایگاه نظامی و از سپتمبر، بین شصت تا هفتاد هزار نیرو در یک قدمی ایران دارد؛ در آخرین بررسی، ایران هیچ پایگاه یا نیروئی در کانادا یا مکزیک ندارد.

بنابراین، واضح است که برای جلوگیری از جنگ باید در برابر چه کسی بایستیم.

نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که جنگ طولانی امریکا علیه ایران به درگیری بزرگ‌مقیاسی خواهد انجامید و این وحشتناک است: دولت ترمپ سه‌هزار سرباز دیگر به خاورمیانه فرستاده است، که نزدیک ۶۵۰ نفر از آنان در روز سال نو مستقر شده‌اند. امریکا از همه شهروندانش خواسته تا عراق را ترک کنند. قیمت نفت افزایش یافته است و سهام شرکت‌های نورث‌روپ گرومن<sup>۱</sup>، لاکهید مارتین<sup>۲</sup> و دیگر سودجویان دوباره افزایش یافته است.

آنچه هم‌اکنون مطرح است جنگ منطقه‌ئی تمام‌عیار است. زندگی افراد بی‌شماری نه فقط در عراق و ایران، بلکه همچنین در لبنان، فلسطین، سوریه و یمن در معرض خطر است، زیرا ایران و امریکا هر دو در همه این مناطق همپیمان دارند. هر چه باشد، ایران مانعی برای نقشه‌های امریکاسعودی-اسرائیل در سراسر منطقه است و این عملکرد ایران علت اصلی استفاده طبقه حاکم امریکا از زور و خشونت علیه ایران است. برای مردم کشورهای خاورمیانه یا هر ملت دیگری تقریباً محال است که وقتی با خطر انهدام امپریالیستی مواجه‌اند، زندگی سیاسی و اقتصادی بهتری برای خود بسازند.

امریکا حق ندارد بر سر کشورهای دیگر بمب بریزد، سعی کند دولت‌ها را سرنگون کند یا مقامات رسمی کشورهای دیگر را ترور کند، گرچه مدت‌هاست این کارها را کرده‌اند و عموماً آن را همچون امری معمول پذیرفته‌اند. این روند را وارونه کنید. در محل کار سازمان‌دهی کنید. در محله و مدرسه‌تان سازمان‌دهی کنید. فرقه‌گرا نباشید. با کسانی که سرنیزه امپراتوری بالای سرشان است در وحدت باشید، به‌ویژه آنهایی که مقاومت می‌کنند. نگذارید جنگ شود.

\*\*\*\*\*

منبع:

<https://jacobinmag.com/2020/01/donald-trump-war-iran-us-empire>

۱. Northrop Grumman، از شرکت‌های امریکائی است که در صنایع نظامی، از جمله هواپیماهای جنگی، ناوبرها، کشتی‌ها، سیستم‌های دفاع راکتی، فعال است و در میان صد شرکت بزرگ امریکا قرار دارد. م.

۲. Lockheed Martin، این شرکت در زمینه تجهیزات نظامی فعال است و از بزرگترین شرکت‌های جهان در این زمینه است. در سال ۲۰۱۸ حدود پنج‌میلیارد دلار سود خالص این شرکت بوده است. م.

۵ جنوری ۲۰۲۰